



Faculty of Social Sciences
Institute of Social Studies and Research

Quarterly of Social Studies and Research in Iran

Vol. 10, No. 1, Spring 2021: 313-344

DOI: 10.22059/jisr.2020.311701.1139

**Urban green area and sustainable city
(Case study: Fadak Park, Tehran) ***

Zohreh Anvari¹

Received July 12, 2020

Acceptance December 27, 2020

Abstract

Introduction: In order for green space to be part of a sustainable city, its social and cultural aspects must also be considered. The three most important aspects of a sustainable city green space are the environmental aspects, creating a social network and reducing exclusion and increasing cultural inclusion. In the present study, Fadak Park in Tehran's second district as an urban green space was studied in terms of achieving sustainable city indicators. This park is the result of the reconstruction of the green space along the Chamran Highway. Carrying out such a plan will bring about significant changes in the socio-economic and environmental structure of the region, which will have a range of positive and negative consequences. In the present study. Since parks are places in the city that have a social structure, they should also be considered from a social and cultural perspective. Has the park been able to connect with the socio-cultural context of the region and become part of the social space of the region (and the city)? Does the park help increase social participation and strengthen the local community?

Method: For this study, two groups of stakeholders, including employers, decision makers, planners and project implementers in the municipality and

* Research Paper, Extracted from the research project, "Social impact assessment of organizing Evin_Darake ravine", supported by Office of Cultural and Social Studies of Tehran Municipality Area2.

1. Assistant Professor, University of Tehran, Faculty of Social Sciences, Department of Anthropology, Tehran. Iran, z.anvari@ut.ac.ir

stakeholders, including residents and neighbors of the park and park users, were surveyed through semi-structured interviews. Also, by attending the park through participatory observation and observation at different times, a complete description of the park was made.

Finding: Interviews are categorized in three areas: 1) Environmental consequences of the construction of Fadak Park: per capita provision of urban green space, noise and air pollution, water crisis; 2) Network of social relations in urban green space: Park as a third space, belonging to space and 3) Elimination and cultural inclusion in urban green space: class exclusion, gender exclusion, age exclusion, ethnic exclusion, security.

Conclusion: The results showed that this park has contributed to the per capita green space of District 2 of the city where the park is located, but compared to some areas of Tehran that are much less than the per capita urban green space has caused unbalanced development of green space in Tehran. It has not affected the creation of social networking. Although it has not caused sexual, age or ethnic exclusion, it has not strengthened cultural inclusion.

Keywords: Urban Green Space, Sustainable City, Socio-Cultural exclusion, Socio-Cultural inclusion

Bibliography

- Ameli, S. S. R., and Akhavan, M. (2012), "Representation of Elements of Urban Identity in Travelogues: Comparative Study of Tehran and Cities of Tehran Province", **Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran**, No. 4: 75-100. (*In Persian*)
- Andersson, E. (2006), "Urban Landscapes and Sustainable Cities", **Ecology and Society**, No. 11 (1): 34.
- Bayat, B. (2017), "Explaining the Relationship between Urban Space and the Feeling of Social Security in Tehran", **Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran**, No. 2: 329-350. (*In Persian*)
- Chiesura, A. (2004), "The Role of Urban Parks for the Sustainable City", **Landscape and Urban Planning**, No. 68: 129-138.
- Hilssdon, A; Panter, C; Foster, J and Jones, A (2006), "The Relationship between Access and Quality of Urban Green Space with Population Physical Activity", **Public Health**, No.12: 1127-1132.
- Leeuwen S., and Rodenborg, C. A. (2003), "A Framework for Quality of Life Assessment of Urban Green Areas in Europe: An application to District Park Reudnitz Leipzig", **International Journal of Environmental Technology and Management**, No. 1 & 2: 424-435.

- Loukaitos-Sideris, A. (1995), "Urban Form and Social Context: Cultural Differentiation in the Uses of Urban Parks", **Journal of Planning Education and Research**, No. 14: 89-99
- Low, S., Toplin, D., and Scheld, S. (2005), **Rethinking Urban Parks: Public Space and Cultural Diversity**, Texas: Texas University Press.
- Maleki, S. (2003), "Sustainable City: Sustainable City and Sustainable Urban Development", **Journal of Art and Architecture, Housing and Rural Environment**, No. 102: 34-53. (*In Persian*)
- Richardson, E. A., and Mitchell, R. (2010), "Gender Differences in Relationships between Urban Green Space and Health in the United Kingdom", **Social Science & Medicine**, No. 71: 568- 575.
- Saeidnia, A. (2000), **The Green Book of Municipalities**, Tehran: Publications of the Organization of Municipalities and Rural Affairs. (*In Persian*)
- Saeidnia, A. (2004), **Urban Green Space**, Tehran: Tehran Municipality Publishing. (*In Persian*)
- Seeland, K., Dübendorfer, S., and Hansmann R. (2009), "Making Friends in Zurich's Urban Forests and Parks: The Role of Public Green Space for Social Inclusion of Youths From Different Cultures", **Forest Policy and Economics**, No. 1: 10-17.
- Thompson, Catharine Ward (2002), "Urban Open Space in the 21st century", **Landscape and Urban Planning**, No. 60: 59-72.
- Ziari, K., and Vahedian Beiki, L. (2012), "Analysis of the Environmental Crisis and Spatial Distribution of Green Space in Tehran", **Journal of Regional Urban Studies and Research**, No. 14: 101-114. (*In Persian*)

فضای سبز شهری در شهر پایدار (مورد مطالعه: پارک فدک تهران)*

زهرا انواری^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۲

چکیده

برای آنکه فضای سبز بخشی از یک شهر پایدار محسوب شود، باید به وجوه اجتماعی و فرهنگی آن نیز توجه کرد. سه جنبه مهم فضای سبزی یک شهر پایدار عبارت است از: جنبه‌های زیست‌محیطی، ایجاد شبکه اجتماعی و کاهش طرد و افزایش شمول فرهنگی. در مطالعه حاضر، وضعیت پارک فدک در منطقه ۲ تهران به‌عنوان فضای سبز شهری از منظر احراز شاخص‌های شهر پایدار مطالعه شده است. برای این مطالعه از دو گروه اثرگذاران شامل کارفرمایان، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان و مجریان طرح در شهرداری و اثرپذیران، شامل ساکنان و همسایگان پارک و مصرف‌کنندگان پارک از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت یافته تحقیق شد. همچنین با حضور در پارک و به‌کمک مشاهده مشارکتی در زمان‌های مختلف، توصیف کاملی از پارک صورت گرفت. مصاحبه‌ها در سه محور مقوله‌بندی شدند: پیامد زیست‌محیطی احداث پارک فدک: تأمین سرانه فضای سبز شهری، آلودگی صوتی و هوا، بحران آب؛ شبکه روابط اجتماعی در فضای سبز شهری: پارک به‌مثابه فضای سوم، تعلق به فضا و حذف و شمول فرهنگی در فضای سبز شهری: طرد طبقاتی، طرد جنسیتی، طرد سنی، طرد قومیتی و امنیت. نتایج حاکی است که این پارک به سرانه فضای سبز منطقه ۲ شهری که پارک در آن واقع است کمک کند، اما برخی مناطق شهر تهران که در حد کمتری سرانه فضای سبز دارند، سبب توسعه نامتوازن فضای سبز در شهر تهران شده و اثری بر ایجاد شبکه روابط اجتماعی نداشته است. هرچند سبب طرد جنسی، سنی و قومی نشده، شمول فرهنگی نیز تقویت نشده است. واژه‌های کلیدی: شمول فرهنگی-اجتماعی، شهر پایدار، طرد فرهنگی-اجتماعی، فضای سبز شهری.

*مقاله علمی - پژوهشی، مستخرج از طرح پژوهشی «ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح سامان‌دهی رود دره اوین

درکه»، کارفرما: دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۲ شهر تهران

۱. استادیار گروه مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، z.anvari@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

شهر پایدار یکی از جنبه‌های توسعه پایدار است. تعریف پذیرفته شده‌ای از شهر پایدار وجود ندارد؛ چراکه هر شهری شاخصه‌های خاص خود را دارد، اما براساس تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه WCED معروف به کمیسیون برون‌تلند^۱، شهر پایدار شهری است که از نظر رشد و توسعه اقتصادی، درآمدزایی و اشتغال بتواند نیازهای شهروندان کنونی را برآورده کند، از لحاظ زیست‌محیطی به وضعیت بهداشتی و سلامت شهروندانش توجه داشته و مسائل و مشکلاتی از نظر آلودگی هوا، آب و فضاها، سبز و تفریحی و گذراندن اوقات فراغت نداشته باشد. همچنین جنبه‌های مختلف کالبدی و فیزیکی و توسعه آینده آن دیده شده باشد و همه این امکانات به نحوی فراهم شود که بتواند در نسل‌های آینده نیز تداوم داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۲: ۳۴).

فضای سبز عمومی مکانی برای بهبود وضعیت زیست‌محیطی و توسعه و بهبود روابط انسانی در شهر پایدار است. همچنین مهم‌ترین دارایی شهروندان شهر محسوب می‌شود. ارزشمندی این فضاها جنبه‌های متعددی دارد؛ مانند ایجاد فضای فراغتی، برآوردن نیازهای اجتماعی و فرهنگی شهروندان، بهبود کیفیت محیط‌زیست، ایجاد بستری برای تعاملات بین‌فرهنگی و افزایش مدارای فرهنگی، ارتقای امکانات فعالیت‌های فیزیکی برای شهروندان و فراهم کردن تسکین‌دهنده‌های روانی و دیداری برای ساکنان شهری که آکنده از شلوغی و تنش است. با این حال این فضاها، عاری از تهدید نیستند. گاهی مبدل به مکان‌هایی برای انجام جرائم و ایجاد ناامنی شهری می‌شوند و گاهی به‌جای ارتقای مدارای فرهنگی، حذف و طرد فرهنگی را تقویت می‌کنند (لوکاتو سیدریس، ۱۹۹۵: ۳). تاریخچه احداث پارک در فضای شهری به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد که از سوی انجمن‌های بشردوستانه برای بهترکردن زندگی در شهر پیشنهاد داده شد. امروزه فضای سبز شهری به‌دلیل کاهش تنش‌ها و تسکین شرایط نامطلوب و تبدیل شهر به مکانی که بتوان در آن زندگی کرد ایجاد می‌شود. این فضا افزون بر تمیزکردن هوا، در کاهش آلودگی صوتی و کمک به مطلوب‌کردن دمای هوای شهر مؤثر است. به همین دلیل تقاضای احداث فضای سبز شهری روزبه‌روز بیشتر می‌شود (لی‌ون، ۲۰۰۳: ۴۲۴). ایجاد پارک و فضای سبز شهری علاوه بر تأثیر زیست‌محیطی، دگرگونی‌های مهمی در ساختار اقتصادی-اجتماعی

منطقه ایجاد می‌کند که طیفی از پیامدهای مثبت و منفی را دربرخواهد داشت. پارک‌ها مکان‌هایی هستند که ساختاری اجتماعی دارند؛ بنابراین باید از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی نیز بررسی شوند. رودرۀ اوین درکه یکی از مناطق آسیب‌خیز تهران است که شهرداری بخش‌هایی از آن را به فضای سبز تبدیل کرده است. جنوبی‌ترین محدوده منطقه ۵ کیلومتری رودرۀ محدوده‌ای به وسعت ۱۸ هکتار در حاشیۀ شمالی بزرگراه همت، در محل تقاطع همت-چمران است که به نام «پارک فدک» بازسازی شده است. این محدوده پیش از این نیز پارک بوده است، اما پارک قبلی نه با محوریت تفریح و فراغت، که با محوریت فضای سبز، به‌صورت درختستان و در قالب پارک جنگلی ساخته شده بود. این محدوده، به‌دلیل فضای خاص جنگلی آن و به‌ویژه با توجه به مجاورت با محله زاغه‌نشین اسلام‌آباد (واقع در حاشیۀ مسیل رودرۀ در محدوده زیر پل مدیریت) اقامتگاه و مخفیگاه بزهکاران و معتادان بود. سامان‌دهی این پارک، بخشی از سامان‌دهی کل رودرۀ است که یکی از اهداف عمده آن اصلاح فضای اجتماعی- فرهنگی محدوده از جمله با برچیدن محدوده زاغه‌نشین و از میان بردن پتانسیل‌های تجمع بزهکاری است.

تغییر محدوده از وضعیت جنگلی به پارک تفریحی تنها شامل ابعاد مهندسی و معماری نبوده و چنین مداخله‌ای نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی- فرهنگی مهمی است که جزئیات آن تنها پس از مطالعات و بررسی‌های دقیق روشن خواهد شد. هدف از این پژوهش، شناسایی و تعیین ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی- فرهنگی این پارک است؛ بنابراین، پرسش پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین پیامدهای مثبت و منفی احداث پارک فدک، در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی چیست.

مبانی نظری

تأثیرات فضای سبز شهری را می‌توان از منظرهای مختلف، از قبیل زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و برنامه‌ریزی بررسی کرد. همه این ابعاد، ذیل مفهوم «شهر پایدار» قرار می‌گیرند. بهبود ابعاد زنده و غیرزنده شهری، شهرهای پایدارتری را موجب نمی‌شود، بلکه جنبه‌های اجتماعی زندگی شهری نیز باید در نظر گرفته شود؛ جنبه‌هایی که در نهایت به رضایت مردم و بهبود تجربه‌ها و دریافت‌های آن‌ها از کیفیت محیط‌زیست همیشگی‌شان مربوط است

(شیسورا، ۲۰۰۴: ۱۳۷). مفهوم پایداری، جنبه‌های متعددی دارد که در ادامه به مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با «فضای سبز شهری» که در رسیدن به یک شهر پایدار می‌تواند اثرگذار باشند خواهیم پرداخت.

پیامدهای زیست‌محیطی فضای سبز شهری

توسعه پایدار فضای سبز باید براساس نگرشی صحیح به نیازهای زیست‌محیطی و اجتماعی شهر و نیز امکانات و قابلیت‌های شهر صورت بگیرد. شناخت ساختار بوم‌شناختی منطقه اولین گام است. ساختار بوم‌شناختی شامل ابعاد مختلفی است (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۹۸) و عملکردهای زیست‌محیطی مختلفی دارد (اندرسون، ۲۰۰۶: ۴). پارک‌ها هرچند کوچک می‌توانند از لحاظ کاهش آلودگی صوتی، آلودگی هوا و افزایش رطوبت و اکسیژن برای ساکنان محله‌های اطراف پارک مفید باشند.

شبکه روابط اجتماعی در فضای سبز شهری

پایداری اجتماعی چنان‌که تریبی^۱ می‌گوید درباره کیفیت‌های دیرپا و تکامل‌یابنده زندگی اجتماعی، پرهیز از راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و گذرا و توجه به ویژگی‌های خودمولد و خودتداوم‌بخش یک نظام است (لاو و همکاران، ۲۰۰۵: ۵). وی معتقد است همچنان‌که زیست‌بوم‌های طبیعی حافظ و ضامن «موازنه طبیعی»^۲ هستند، می‌توان از «زیست‌بوم‌های فرهنگی» سخن گفت که حافظ و ضامن زندگی فرهنگی و تمدن بشری هستند. توسعه پایدار عبارت است از: حفظ و ارتقای محیط به‌کمک حفاظت از زیست‌بوم‌های طبیعی، هنرها و عقاید، نگرش‌ها و رفتارهای جامعه (لاو و همکاران، ۲۰۰۵: ۵).

پارک فضایی صرفاً طبیعی نیست، بلکه فضای اجتماعی زنده است. فضاهای سبز شهری یکی از مهم‌ترین گونه‌های عرصه‌های عمومی شهری هستند. عرصه عمومی شهری محلی برای ارتباط غریبه‌ها با یکدیگر صرف‌نظر از پیشینه، موقعیت اقتصادی، قومیت یا تفکرشان است و به‌ویژه در شهرهای بزرگ که افراد از حریم شخصی قدرتمندی برخوردارند و یکدیگر را

1. Throsby

2. Natural balance

نمی‌شناسند، از اهمیت مضاعفی برخوردار است (تامپسون^۱، ۲۰۰۲: ۶۹). بدترین پارک‌ها در مکان‌هایی واقع شده‌اند که مردم از کنار آن‌ها عبور نمی‌کنند و تمایل به چنین کاری نیز ندارند. اگر یک پارک عمومی به کمک ویژگی‌های طبیعی و تنوع اجتماعی مجاور خود پشتیبانی نشود، از مکانی عمومی به یک مکان خصوصی تبدیل می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۷۵). برای اینکه این فضای اجتماعی ساخته شود، طرف‌های مختلف و گروه‌های متفاوت مردمی باید عامل مشترکی برای درمیان‌گذاشتن داشته باشند. مشارکت و تعامل اجتماعی کنشی تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه نیازمند برنامه‌ریزی است.

تعامل اجتماعی به ساخته‌شدن «اجتماع محلی» کمک می‌کند. یکی دیگر از راه‌های تقویت اجتماع محلی علاوه بر فراهم کردن امکان تعاملات اجتماعی، ایجاد حس تعلق به مکان است که پیوندهای اجتماعی در آن مکان را تقویت می‌کند و از این راه سبب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. تعلق به مکان یکی از مهم‌ترین عوامل تبدیل‌کننده مکان جغرافیایی به فضای اجتماعی است. حس تعلق به یک مکان، با مجموعه‌ای از پیوندهای اجتماعی مرتبط با آن مکان درهم تنیده است؛ پیوندهایی از قبیل خاطرات رخداد‌های پیش‌آمده در آن مکان، روابط دوستانه با افراد و گروه‌های اجتماعی موجود در آن مکان (عاملی و اخوان، ۱۳۹۱: ۷۸). از گذر این پیوندها، تعلق به مکان با زندگی‌نامه فرد پیوند می‌خورد که شناسنامه هویتی اوست. مکان با ورود به زندگی‌نامه به بخشی از هویت فرد تبدیل می‌شود. نتایج پژوهش باوم و پالمر نشان می‌دهد، کسانی که تعلقات و پیوندهایی را با منطقه و محله خود احساس می‌کنند، بیشتر به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۷۵).

حذف و شمول فرهنگی در فضای سبز شهری

فضای سبز شهری ممکن است بر گروه‌های جمعیتی مختلف تأثیر یکسانی نداشته باشد. در این صورت باید با برنامه‌ریزی‌های مشخص این مسئله به نفع گروه‌های ضعیف‌تر مانند زنان، کودکان، اقوام، سالمندان، فقرا و معلولان اصلاح شود تا همه بتوانند از این فضا به اندازه یکسان استفاده کنند (ریچاردسون، ۲۰۱۰: ۵۷۰). فضای سبز باید به نحوی طراحی شود که بیشترین

شمول و کمترین حذف فرهنگی را داشته باشد. این افزایش به شکلی مستقیم با تقویت شبکه‌های اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی ارتباط دارد. شمول (دربرگیرندگی) اجتماعی^۱ یکی از مهم‌ترین نتیجه‌های مستقیم برقراری شبکه روابط اجتماعی است. پارک‌ها از جمله مکان‌های عمومی هستند که بیشتر از دیگر مکان‌های عمومی در شهر امکان برقراری ارتباط میان افراد از اقشار مختلف را فراهم می‌کنند؛ زیرا پتانسیل بیشتری برای ایجاد دربرگیرندگی اجتماعی در پارک در مقایسه با بقیه مکان‌ها دارند (سیلند، ۲۰۰۹: ۱۵). امروزه فضاهای عمومی در شهر با تهدیدهای گوناگونی مواجهند و تنها بی‌استفاده‌ماندن مطرح نیست. تهدید دیگر، شیوه‌های طراحی و مدیریتی است که برخی گروه‌های مردم را طرد می‌کند و موجب کاهش تنوع فرهنگی در فضای عمومی می‌شود. این اعمال ممکن است نشاط و سرزندگی فضا را بگیرد یا چنین پنداشته شود که آن فضا تنها مخصوص افراد خاصی است. این اعمال مانع شکل‌گیری فضایی برای تماس‌های میان‌فرهنگی و میان‌طبقه‌ای می‌شود (لاو و همکاران، ۲۰۰۵: ۱).

حذف و شمول فرهنگی جنبه‌های مختلفی دارد که از آن میان به حذف و شمول سنی و حذف و شمول جنسیتی کمتر توجه می‌شود. گروه‌های سنی مختلف انگیزه‌های گوناگونی برای بازدید از پارک و فعالیت‌های مختلف دارند؛ بنابراین در طراحی و مدیریت آن باید نیازمندی‌های تفریحی برای تمام گروه‌های هدف در نظر گرفته شود (شیسورا، ۲۰۰۴: ۱۳۷). همچنین بر سر اینکه آیا همه افراد به‌طور یکسان می‌توانند از این مزیت فضای سبز شهری استفاده کنند بحث است. با وجود اینکه پارک فضایی آزاد و غیر تهدیدکننده برای طبیعت است، می‌تواند برای بعضی زیرگروه‌ها مانند زنان و قومیت‌ها محلی ناامن محسوب شود. این تهدید، ناشی از آزادی فضا در پارک است و اگر کنترل‌شده و تحت نظارت نباشد، می‌تواند برای گروه‌هایی مانند زنان، کودکان و غیره خطرناک باشد (تامپسون، ۲۰۰۲: ۶۰). برخی تحقیقات نشان داده است که زنان حضور کمتری در پارک‌ها دارند که مهم‌ترین دلیل این امر، احساس ناامنی است (لوکاتو سیدریس، ۱۹۹۵: ۹۳). همچنین عوامل دیگری مانند سطح زندگی و موقعیت خانوادگی زنان بر استفاده آنان از فضای سبز شهری اثرگذار است (ریچاردسون، ۲۰۱۰: ۵۷۰)؛ بنابراین یکی از دلایل مهم طرد و شمول فرهنگی می‌تواند امنیت باشد. بیات

(۱۳۹۶) معتقد است رابطه معناداری میان حس تعلق به فضا و امنیت برقرار است و امنیت پارک باید در شیوه طراحی آن در نظر گرفته شود.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی استفاده شده است. روش‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل مشاهده، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و مشاهده مشارکتی بوده است. مشاهده این پارک در دو مرحله، یک‌بار قبل از اقدام مداخله‌ای و یک‌بار بعد از آن، یعنی بعد از تغییر نوع فضای سبز از فضای جنگلی به پارک صورت گرفته است. در مرحله دوم مشاهده، یعنی پس از احداث پارک، در فصل تابستان به مدت دو ماه حضور مستمر (مشاهده مشارکتی) در میدان انجام شد. هدف از این کار علاوه بر توصیف پارک، مشاهده انواع فعالیت‌ها در طول هفته (ایام تعطیل و غیرتعطیل)، میزان و نحوه استفاده مصرف‌کنندگان از امکانات مختلف پارک و همچنین مشاهده مسائل و مشکلات احتمالی و تأثیرات مثبتی بود که پارک بر زندگی ساکنان اطراف داشت. در نهایت با استفاده از مشاهدات در این دو مرحله توصیف کاملی از پارک، قبل و بعد از اقدام مداخله‌ای صورت گرفت.

براساس سه محور اصلی که در بخش نظری پژوهش توضیح داده شد، مصاحبه نیمه ساخت‌یافته‌ای با مشارکت‌کنندگان در پژوهش که در ادامه به مشخصات آن‌ها پرداختیم، انجام شد. این سه محور شامل پیامدهای زیست‌محیطی، شبکه روابط اجتماعی و حذف و شمول فرهنگی در فضای سبز شهری بوده است. ذیل هر محور و براساس نوع مشارکت‌کنندگان (اثرگذاران و اثرپذیران) پرسش‌های متفاوتی تنظیم و از آن‌ها پرسیده شد. در نهایت از مجموع داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه و با توجه به سه محور کلی مطرح‌شده در ادبیات نظری، داده‌ها تحلیل محتوای کیفی و بعد از تحلیل محتوا، مقوله‌بندی شد و ذیل هر کدام از این سه محور کلی سرفصل‌ها به دست آمد.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مشارکت‌کنندگان در پژوهش به دو دسته اثرگذاران و اثرپذیران طرح تقسیم می‌شوند؛ یعنی همه کسانی که به نحوی در طرح دخالت دارند:

الف) اثرگذاران: شامل کارفرمایان، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان و مجریان طرح در شهرداری هستند. این گروه عبارت‌اند از: معاونت امور شهری و فضای شهری، پیمانکار طرح، نیروی انتظامی منطقه و نگهبان پارک.

ب) اثرپذیران: همه کسانی هستند که به‌نحوی از اجرای طرح تأثیر می‌پذیرند. این افراد و گروه‌ها عبارت‌اند از: ساکنان (همسایگان پارک و سایر ساکنان محل) کسبه (کسبه داخل پارک و کسبه محله) و مصرف‌کنندگان پارک که به چند دسته تقسیم می‌شوند و شامل والدین کودکان، نوجوانان، سالمندان، زنان و مردان جوان هستند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش به‌صورت کیفی انجام شد؛ به‌نحوی که نماینده نوعی قشر خود بودند. با توجه به اینکه در این پژوهش تنوع فرهنگی مصرف‌کنندگان پارک مدنظر است، به همه طبقات اجتماعی در آن توجه شد. در جدول ۱ تعداد مشارکت‌کنندگان آمده است.

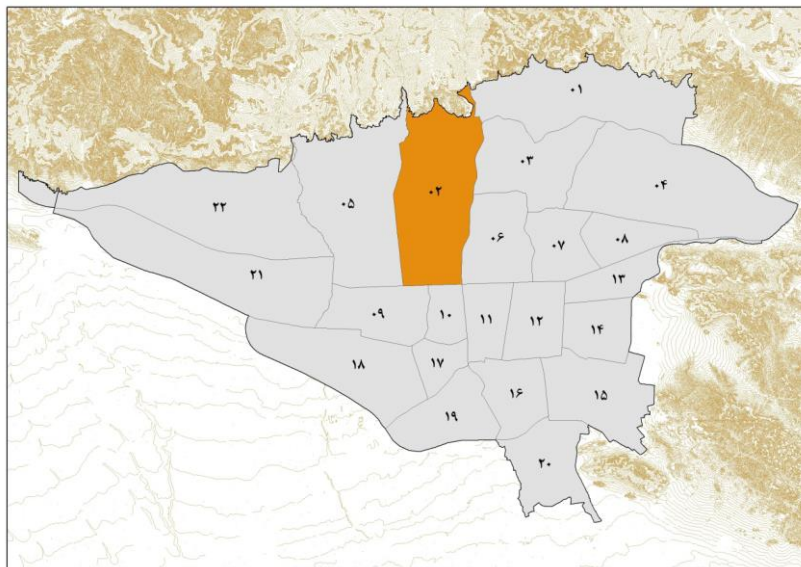
جدول ۱. مشارکت‌کنندگان شامل اثرگذاران و اثرپذیران

ردیف	مشارکت‌کنندگان	تعداد
۱	معاونت امور شهری و فضای شهری	۱
۲	پیمانکار طرح	۱
۳	نیروی انتظامی محله	۱
۴	نگهبان پارک	۱
۵	همسایگان پارک	۳
۶	سایر ساکنان محله	۷
۷	کسبه پارک	۳
۸	کسبه محله	۴
۹	والدین کودکان	۲
۱۰	نوجوانان	۲
۱۱	زنان جوان	۱۰
۱۲	مردان جوان	۱۰
۱۳	سالمندان	۲
	جمع	۴۷

یافته‌های پژوهش

توصیف وضعیت قبل و بعد از اقدام مداخله‌ای

روددرهٔ اوین درکه که پارک هجده هکتاری بخشی از آن تلقی می‌شود، در محدودهٔ منطقهٔ ۲ شهر تهران قرار دارد. این منطقه از شمال به محدودهٔ قانونی شهر، از جنوب به خیابان آزادی، از شرق به بزرگراه چمران و مسیل درکه و از غرب به بزرگراه محمدعلی جناح، بلوار اشرفی اصفهانی و مسیل فرحزاد محدود می‌شود. وسعت این منطقه ۴۷۶۳ هکتار است و جمعیتی بالغ بر ۶۰۶۷۳۴ نفر دارد. همچنین با مناطق ۱، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۱ هم‌جوار است (شکل ۱). منطقهٔ ۲ از لحاظ شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی (بعد خانوار، درآمد خانوار، تعداد خانوار در واحد مسکونی) از متوسط شهر تهران در وضعیت بهتری قرار دارد.



شکل ۱. موقعیت منطقهٔ ۲ در میان مناطق شهر تهران

منبع: طرح تفصیلی تهران، شرکت سراوان

روددرهٔ اوین درکه یکی از هفت روددرهٔ بزرگ شهر تهران (شکل ۲) است که مسیل رود درکه را شامل می‌شود. این مکان در منطقهٔ ۲ قرار گرفته و مشکلات بسیاری دارد که نیازمند

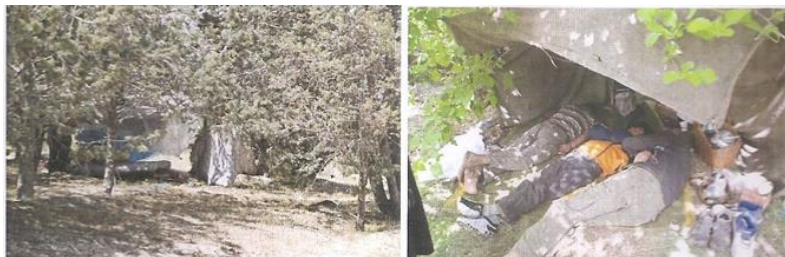
توجه جدی است. مسیل رود درکه از شمال به دره درکه در کوهپایه البرز و از جنوب به میدان میوه و تره بار شهر در مجاورت کمربندی آزادگان می‌رسد و از آنجا به سمت بهشت زهرا ادامه می‌یابد. براساس طرح تفصیلی شهر تهران (۱۳۸۹) رود دره اوین درکه جزء زیرپهنه‌های اصلی سبز و باز است. این پهنه مساحتی حدود ۲۱,۲۳,۶۵۹ مترمربع دارد. ضریب سکونت، صفر درصد و تعداد واحد مسکونی در آن نیز صفر است. برای این پهنه در طرح تفصیلی کاربری پارک فضای سبز در نظر گرفته شده است.



شکل ۲. پنج محور مسیل‌های شهر تهران

منبع: مهندسین مشاور معماری- شهرسازی بوم سازگان، ۱۳۸۵

در طرح سامان‌دهی، برای این محدوده در قالب دو پروژه احداث پارک تفریحی پیش‌بینی شده است. محل پارک در تقاطع سه اتوبان بزرگ شهر، یعنی یادگار امام، همت و چمران است. پارک، بخش‌هایی از رود دره اوین درکه را که در مجاورت بافت مسکونی است، پوشش می‌دهد و در قالب فضاهای چندمنظوره و چندعملکردی قرار می‌گیرد. محل پارک در گذشته محل تجمع بی‌خانمان‌ها و معتادان به مواد مخدر بوده است (شکل ۳).



شکل ۳. جنگل ۱۸ هکتاری و تجمع افراد بی‌خانمان

به همین دلیل فضای ناامنی در این منطقه ایجاد شده بود. به علاوه از نظر زیست‌محیطی و زیبایی محیط مناسبی محسوب نمی‌شد و چشم انداز مناسبی نداشت. به همین دلیل شهرداری منطقه ۲ تصمیم گرفت در این منطقه یک پارک احداث کند. مشکلات وضعیت پیش از اقدام مداخله‌ای را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

- بی‌توجهی به ویژگی‌های بستر مانند وضعیت درختان، شیب‌بندی، مسیر مناسب آب و آبیاری و در نتیجه از بین رفتن این فضا قبل از استفاده از آن؛
 - استفاده نکردن از مصالح مناسب و منطبق با طبیعت موجود که سبب فرسایش زودهنگام کف‌سازی‌ها شده است.
 - استفاده نکردن از مصالح مناسب برای مبلمان پارک، مانند بدنه فلزی نیمکت‌ها و آلاچیق‌ها و داغ شدن و سرد شدن آن در فصل تابستان و زمستان که نتیجه آن استفاده نکردن مردم از این امکانات بوده است.
- بنابراین تغییر و بازسازی این منطقه به نظر ضروری آمده و شهرداری تهران اقدام به احداث پارکی کرده است که ناامنی را در منطقه از بین ببرد و از سویی این مکان را برای استفاده بهینه ساکنان و غیرساکنان تهرانی ایجاد کند. اهدافی که در طرح تفصیلی تهران (۱۳۸۹) برای این پروژه در نظر گرفته شد، شامل موارد زیر است:
- حفظ پتانسیل اکولوژیک بخش‌هایی از رود دره اوین در که؛
 - افزایش کیفیت زیباشناختی و اقتصادی زمین‌های دشت سیلابی رود دره و تبدیل آن از زمین بایر به زمین‌هایی با کاربری تفریحی و گردشگری؛

• استقرار کاربری‌های زیست‌محیطی، مانند فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی و ورزشی به‌منظور تشویق مالکان در حفظ و نگهداری محیط‌زیست روددره و سرمایه‌گذاری مالی در آن. در حال حاضر، محدوده طرح به پارکی تبدیل شده است که کارکردهای گردشگری، تفریحی و ورزشی دارد. وقتی از ورودی شماره ۲ که در واقع ورودی اصلی پارک است وارد شوید، به تنها میدان پارک می‌رسید. در آنجا تابلوهای راهنمایی وجود دارد که افراد را برای رسیدن به قسمت‌های مختلف پارک هدایت می‌کند و به ما نشان می‌دهد که چه امکاناتی در پارک وجود دارد. پارک مجهز به شش سرویس بهداشتی، سه ایستگاه دوچرخه، ۳۹ آلاچیق برای نشستن، پنج بوفه، پنج آب‌نما، چهار زمین بازی برای کودکان، ساختمان پلیس، زمین والیبال، اسکیت و بسکتبال، زمین پینت‌بال و چند معبر چنار برای پیاده‌روی و زمین چمن مصنوعی است. در این پارک مسجدی هم در نظر گرفته شده که هنوز احداث نشده است. این پارک چند معبر غیرهم‌سطح دارد که با مسیرهای پلکانی به هم مربوط می‌شوند.

مقوله‌بندی یافته‌ها

در این بخش با استفاده از یافته‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه و براساس سه محور کلی که در بخش نظری آمده است، به مقوله‌بندی داده‌ها پرداخته‌ایم.

۱. پیامد زیست‌محیطی احداث پارک فدک

سه مقوله اصلی در این بخش عبارت است از: تأمین سرانه فضای سبز شهری، آلودگی صوتی و هوا و بحران کم‌آبی که در ادامه به بررسی هرکدام می‌پردازیم.

تأمین سرانه فضای سبز شهری

مساحت کلی فضای سبز شهری تهران تنها ۱۰ درصد کل مساحت شهر تهران را تشکیل می‌دهد که برابر با ۷۲,۳۷۸,۸۶۵ متر مربع در سال ۱۳۸۵ گزارش شده است. با توجه به جمعیت تهران در سال ۱۳۸۵ سرانه فضای سبز در شهر تهران ۹/۲ مترمربع است. با توجه به افزایش جمعیت این رقم تا سال ۱۳۹۵ باید به ۱۰۷,۸۴۵,۴۸۸ متر مربع برسد تا بتوان به سرانه استاندارد یعنی ۱۲ متر مربع برای هر نفر رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). پارک مدنظر در محله شهرک غرب واقع شده است. جمعیت این شهرک غرب ۲۸/۹۲۹ نفر است و این مکان ۳/۵

کیلومتر مربع وسعت دارد. میزان فضای سبز شهرک غرب قبل از احداث باغ راه فدک حدود ۱۴۵,۷۲۸ مترمربع بوده است؛ بنابراین سرانه فضای سبز شهری برای هر فرد تقریباً ۵ متر مربع برای در شهرک غرب بوده است. باغ راه فدک با ۱۸ هکتار مساحت میزان فضای سبز را در شهرک غرب به ۳۲۵,۷۲۸ مترمربع افزایش داده است که براساس آن برای هر فرد حدود ۱۱/۲ مترمربع فضای سبز در شهرک غرب وجود دارد. این عدد به استاندارد ۱۲ مترمربع نزدیک است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، استاندارد سرانه فضای سبز منطقه ۲ شهر تهران با توجه به آمار سال ۱۳۸۵، برابر ۱۱ نفر در متر مربع گزارش شده که در همان سال به استاندارد نزدیک بوده است و می‌توان تصور کرد که احداث این پارک ۱۸ هکتاری به نزدیک‌تر شدن این عدد به استاندارد کمک بسیاری کرده است.

بنابراین می‌توان گفت از نظر توسعه پایدار شهری احداث این پارک به نفع منطقه ۲ و محله شهرک غرب و به‌طور کلی شهر تهران بوده است، اما آیا نسبت به دیگر مناطق تهران احداث این پارک سبب نوعی تبعیض منطقه‌ای در ایجاد فضای سبز شده است یا نه؟ زیاری و کرامتیان (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به توزیع مکانی فضای سبز شهر تهران با توجه به سرشماری سال ۱۳۸۵ پرداختند. این مقاله مناطق ۷ تا ۱۴ در شهر تهران را دچار فقر منابع زیست‌محیطی و فضای سبز معرفی کرده است؛ درحالی‌که منطقه دو از نظر منابع زیست‌محیطی به استاندارد نزدیک‌تر است؛ بنابراین می‌توان نوعی تبعیض منطقه‌ای در احداث پارک و فضای سبز در شهر تهران مشاهده کرد که احداث باغ راه فدک نیز از این منظر به این تبعیض دامن زده است. البته باید به این نکته توجه کرد که مزایای تغییر کاربری مسیل‌های تهران را نمی‌توان به یک منطقه محدود کرد. احداث فضای سبز در این مسیل‌ها در ابعاد کل شهر تهران اثرگذار است و می‌توان مزیت آن را برای کل شهر تهران به حساب آورد.

آلودگی صوتی و هوا

آنچه به‌عنوان «آلودگی صوتی» در اینجا بررسی می‌شود وجه پزشکی این مفهوم نیست، بلکه «سروصدای احساس‌شده» از سوی بازدیدکنندگان پارک و میزان آزار و ناراحتی‌ای است که آن‌ها از این سروصدا احساس می‌کنند. محله ایران‌زمین که پارک در آن قرار دارد، در حاشیه

اتوبان چمران واقع شده است که سروصدای اتوبان از جمله آلودگی صوتی برای این محله محسوب می‌شود، اما ساکنان این محله از این آلودگی صوتی ابراز ناراحتی نمی‌کنند؛ زیرا در طول سالی‌ها به این سروصدا خو گرفته‌اند (نوجوان ساکن در محل، ۱). از سوی دیگر، به کاربردن شیشه‌های دوجداره در طراحی ساختمان‌ها تا حد زیادی از این آلودگی صوتی می‌کاهد. بیشتر اهالی محل معتقدند پارک سبب کاهش آلودگی صوتی نشده است (اهالی محل، ۱، ۲، ۳). همچنین کاربران پارک شکایت بسیاری از آلودگی صوتی اتوبان ندارند و در واقع بعضی از آن‌ها تا سؤال مطرح نمی‌شد انگار سروصدا را نمی‌شنیدند (مصاحبه‌های، ۱، ۴، ۵، ۸، ۶، ۱۱). در این میان البته بعضی از پاسخگویان هم قسمت‌هایی از پارک را که نزدیک‌تر به اتوبان است، به دلیل سروصدای بسیار اتوبان نامناسب می‌دانند:

- پارک خوبیه، خلوته. فقط یه ایراد کوچک داره؛ اونم صدای خیابونه و در بخش پایین پارک که نزدیک اتوبانه، امکان نشستن به همین دلیل نیست (مصاحبه‌های ۲ و ۷).

از سوی دیگر سازندگان و طراحان پارک مدعی‌اند در طراحی پارک و انتخاب گونه‌های گیاهی به موضوع آلودگی هوا و آلودگی صوتی توجه داشته‌اند. آن‌ها معتقدند:

- درختان هم در تلطیف هوا و کاهش آلودگی هوا و هم کاهش آلودگی صوتی تأثیر دارن. کاشت درخت و درختچه حائل اتوبان‌ها می‌شه که حتماً در کاهش آلودگی صوتی تأثیر داشته. به‌طورکلی هر درختی که پهن‌برگ باشه، در بحث آلودگی صوتی مفیدتر از سوزنی‌برگ‌هاست؛ یعنی هرچی درخت برگ داشته باشه و پهن‌برگ باشه، در کاهش آلودگی صوتی مؤثرتره که اینجا با توجه به موقعیت مکانی پارک، بیشتر درختان پهن‌برگ از جمله درخت‌های توت و بیشتر افاقا انتخاب شده‌ن و درختان سوزنی‌برگ کمتر و در حد تعدادی درخت سرو در قسمت شمال پارک وجود داره (ناظر پارک).

بحران آب

با توجه به بحران کم‌آبی کنونی در ایران، این سؤال مطرح است که آیا احداث این پارک به کم‌آبی موجود دامن نمی‌زند؟ پیمانکار مجری عملیات احداث پارک مدعی است، حجم عمده آب تأمین شده برای آبیاری در این پارک، از تصفیه فاضلاب شهرک به‌دست می‌آید. فاضلاب شهرک در جایی واقع در ضلع جنوبی همت تصفیه می‌شود و از آنجا به داخل مخزنی در پارک پمپاژ برای پارک استفاده می‌شود. پارک دو مخزن بزرگ دارد که یکی هنوز احداث نشده و با

تکمیل این دو مخزن، مشکل آب در پارک حل خواهد شد و نیازی به استفاده از آب شهری نخواهد بود. از سوی دیگر، هیچ درخت اضافی در پارک جدید کاشته نشده و همه درختان موجود، از قبل در پارک وجود داشته‌اند. در گذشته کاربری فضا، جنگلی بوده و شیوه آبیاری «کرتی» بوده است که دورریز آب زیادی داشته است. در حال حاضر آبیاری مکانیزه شده است و آب کمتری هدر می‌رود. البته برخی قسمت‌ها چمن‌کاری شده است که آب بیشتری مصرف می‌کند، اما در مقابل، هدررفتن آب کمتر شده که این امر آب چمن‌ها را جبران می‌کند.

۲. شبکه روابط اجتماعی در فضای سبز شهری

دو مقوله در این بخش دسته‌بندی و بررسی شد: پارک به مثابه فضای سوم بعد از فضای خانه و محل کار و حس تعلق به پارک که در ادامه به هریک از این موارد خواهیم پرداخت.

پارک به مثابه فضای سوم

چنانکه در بخش نظری گفته شد، پارک می‌تواند به مثابه عرصه عمومی عمل کند و موجب شود میان افراد غریبه رابطه برقرار شود و از گذر این ارتباط، شبکه‌های روابط اجتماعی جدیدی ساخته شود. فضای سبز شهری، در کنار خانواده و محل کار، حوزه سومی ایجاد می‌کند که در آن ارتباطات تازه‌ای جز ارتباطات خانوادگی و ارتباطات حرفه‌ای شکل می‌گیرد. پارک موضوع این پژوهش، از این منظر بررسی شد. پرسش آن است که پارک حاضر تا چه حد امکانی فراهم کرده که روابط تازه‌ای میان افراد غریبه ایجاد شود؟ فضای پارک به چه میزان صمیمی و آشناست و افراد در آن ترغیب می‌شوند با یکدیگر رابطه برقرار کنند؟ داده‌ها نشان می‌دهد، خود افراد (صرف‌نظر از ویژگی‌های پارک)، آمادگی اولیه‌ای برای برقراری ارتباط دارند:

- دوست دارید تو پارک با کسی هم صحبت بشی؟ اگر موقعیت پیش بیاد، چراکه نه؛ چون ما الان با هم بودیم، نیازی نبوده. خب اگر تنها باشیم چراکه نه (زن جوان ۷).
- با وجود این آمادگی اولیه در افراد و تمایل آن‌ها به برقراری ارتباط با همکاران، گردهم آمدن‌ها در پارک، بیشتر بر پایه همان روابط پیشین، اعم از روابط دوستانه یا خانوادگی است که از قبل وجود داشته است. افراد بیشتر به همراه دوستان یا خانواده به پارک می‌آیند.

- ما دوستان به جای رفتن به منزل همدیگه ترجیح می‌دیم بیاییم طبیعت. دوره دوستانه‌ست (زن جوان ۶).
 - تنها می‌آید یا با کسی؟ با دوستان و خانواده (زن جوان ۷).
 - پارک برای آن‌ها مکانی برای برگزاری دوره‌ها و قرارها و مهمانی‌های دوستانه یا خانوادگی است. اگرچه بازدیدکنندگان از پارک فضا را در کل صمیمی و دوست‌داشتنی می‌دانند، در مجموع فضا به شکلی نیست که رابطه میان افراد را تقویت و مردم را به ارتباط با هم ترغیب کند:
 - موقعیت این پارک به موقعیت خاصیه، فکر نمی‌کنم این‌طور باشه که آدم‌ها بتونن با هم هم‌صحبت بشن و یک جایی که حوضی باشه، مردم دور اون بشینن و همدیگه رو ببینن (مرد جوان ۱).
 - این پارک خلوت‌ه. محلی که این پارک قرار گرفته، بالای شهره. روابط بین افراد کمتر از پایین شهر اتفاق می‌افته؛ مثلاً پایین شهر همدیگه رو نمی‌شناسیم، ولی دو تا گروه می‌شیم و با هم بازی می‌کنیم، ولی اینجا این اتفاق نمی‌افته (مرد جوان ۲).
 - این پارک بیشتر دنج‌ه (مرد مسن ۱).
- براساس مشاهداتی که از گروه‌های مختلف حاضر در پارک داشتیم، بیشتر گروه‌هایی که در طول هفته به پارک مراجعه می‌کردند، برای برگزاری تولد، جشن فارغ‌التحصیلی یا دوره‌های دوستانه به این پارک آمده بودند. در ایام تعطیل و آخر هفته فضای پارک بسیار شلوغ بود و بیشتر خانواده‌ها برای پیک‌نیک به پارک می‌آمدند. در این پارک، اجتماعی از نوجوانان یا سالمندان که با هم غریبه باشند و برای انجام فعالیتی گرد هم آمده باشند دیده نشد. مشاهده و نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، میلمان پارک در شکل نیافتن رابطه اجتماعی در این پارک بی‌تأثیر نیست. وجود آلاچیق‌های محصور (شکل ۴ سمت چپ) سبب شده که هرکس با اطرافیان خود یک فضای خصوصی و شخصی ایجاد کند. طولی بودن و بلندبودن پارک نیز به‌جای تمرکز افراد در کنار یکدیگر، به این مسئله دامن زده است (شکل ۴ سمت راست). حتی زمین‌های ورزشی که در پارک وجود دارد، برای استفاده بازدیدکنندگان نیست، بلکه به گروه‌های دوستانه یا مدارس فوتبال اجازه داده می‌شود (مصاحبه با مدیر زمین فوتبال). پارک باید بخشی از فضای اجتماعی اطراف خود باشد و بتواند با آن وارد رابطه اجتماعی شود. درنهایت، پارک فعلی چنین رابطه‌ای ایجاد نکرده و نتوانسته است با بافت اجتماعی اطراف خود پیوند منسجمی برقرار کند.



شکل ۴. مسیرهای طولی (سمت راست) و آلاچیق‌های محصور (سمت چپ)

تعلق به فضا

میزان تعلق به فضا یکی از مشخصات موفقیت فضا در تشکیل اجتماع محلی است. مهم‌ترین عاملی که می‌تواند تعلق به فضا را نشان دهد، خاطره‌انگیز بودن فضاست. از پاسخگویان پرسیده شد که چه خاطراتی از پارک دارند و پارک تا چه حد برای آن‌ها خاطره‌انگیز است که در مجموع، بازخوردهای مثبتی در پاسخ به این پرسش وجود داشت؛ برای مثال:

- اون بالا به مجسمه هست که داره کتاب می‌خونه. من به همه گفتم دوست پسرم اهل مطالعه است. فضا خاطره خوبی داشته. الان داشتیم می‌گفتیم بیشتر بیایم اینجا (زن جوان ۴).
- کلی عکس گرفتم و برای دوستانم فرستادم که بار بعد با هم بیایم (والدین، ۱).

با این حال، با توجه به اینکه پارک تازه تأسیس شده است، به راحتی نمی‌توان درباره میزان خاطره‌انگیز بودن آن تحقیق کرد. هنوز مردم نیاز به فرصت دارند تا پارک به بخشی از خاطرات آن‌ها تبدیل شود. این نکته را برخی از پاسخگویان به صراحت گفته‌اند:

- شاید بعداً خاطره‌انگیز بشه؛ چون در دوره خاصی از زندگی مون اینجا قرار می‌ذاریم (مرد جوان ۱).
- پارک خوبییه. احتمالاً تبدیل به خاطره بشه (مرد جوان ۳).
- هنوز به خاطره نیپیوسته (مرد جوان ۴).
- این پارک هنوز زوده که نوستالژی بشه، ولی می‌تونه باشه (زن جوان ۱).

چنانکه در این اظهارات دیده می‌شود، هنوز نمی‌توان این پارک را عامل هویت‌ساز در محل به حساب آورد. بیشتر اهالی محل پارک را برای دادن آدرس استفاده نمی‌کنند و هنوز آن را در

خاطرات خود ثبت نکرده‌اند. هرچه خاطره وجود دارد، مربوط به گذشته این محل است. همچنین تقریباً هیچ‌یک از اهالی محل مورد مصاحبه پارک را در تصمیم‌گیری درباره رفتن یا ماندن در محل مؤثر نمی‌دانند؛ برای مثال:

- من از این محل راضی‌ام و با شلوغیش هم می‌سازم. دوست ندارم از این محل برم. پارک تأثیری نداره، خود منطقه ایران‌زمین مهمه. دسترسیش خوبه، آب‌وهوایش خوبه، امکاناتش خوبه، منطقه آرومیه و خونه‌مون رو دوست دارم. پارک فعلاً مدنظرم نیست (نوجوان ۱).

۳. حذف و شمول فرهنگی در فضای سبز شهری

طراحی و فضای پارک ممکن است - آگاهانه یا ناآگاهانه - به نحوی باشد که برخی گروه‌ها و اقشار اجتماعی را در خود نپذیرد یا به سختی بپذیرد. طرد و حذف فرهنگی جنبه‌های مختلفی دارد: طرد قومیتی و نژادی، طبقاتی، مذهبی، جنسیتی و سنی مهم‌ترین جنبه‌های طرد فرهنگی هستند. طرد فرهنگی، ممکن است به اشکال مختلف مستقیم یا غیرمستقیم و حقوقی، اجتماعی یا فیزیکی رخ بدهد. راه مستقیم آن است که قانون، به برخی از اقشار اجازه حضور ندهد یا برای برخی از آن‌ها امتیاز و امکانات بیشتری در مقایسه با همکاران قائل باشد. این، راه مستقیم طرد حقوقی است. راه دیگر طرد آن است که امکانات خاصی برای برخی از اقشار بیش از اقشار دیگر فراهم باشد. به این ترتیب در عمل برخی از اقشار امکان استفاده کمتری از فضا دارند. راه اجتماعی طرد فرهنگی آن است که برخی گروه‌ها و اقشار بر فضا مسلط شوند و عرصه را برای حضور راحت و بی‌دغدغه اقشار دیگر تنگ کنند. در ادامه هر یک از ابعاد و وجوه طرد و حذف فرهنگی را در پارک مورد مطالعه به‌طور خاص بررسی می‌کنیم.

طرد طبقاتی

مهم‌ترین ویژگی پارک که با موضوع امکان طرد طبقاتی ارتباط دارد، این است که پارک در یکی از گران‌قیمت‌ترین و اعیان‌نشین‌ترین محله‌های شهر قرار دارد. درهای ورودی پارک در خیابان ایران‌زمین قرار دارد و موقعیت پارک، پشت ضلع جنوبی این خیابان است؛ به نحوی که خانه‌های ضلع جنوبی خیابان، مشرف به پارک هستند. خیابان ایران‌زمین یکی از بهترین

خیابان‌های شهرک غرب است و بسیاری از خانه‌های ویلایی و گران‌قیمت در این خیابان قرار دارند. شهرک غرب نیز یکی از قسمت‌های گران‌قیمت شهر تهران است (شکل ۵).



شکل ۵. منظره یکی از خانه‌های مشرف به پارک

صرف واقع شدن پارک در این محله، امکان طرد طبقاتی را بیشتر می‌کند. این طرد از دو جنبه قابل بررسی است. جنبه اول اینکه اهالی محل و همسایگان پارک ممکن است از ورود طبقات پایین‌تر به پارک راضی نباشند و احساس کنند آرامش و امنیت محلشان مختل شده است. جنبه دوم آن است که خود افراد طبقات پایین‌تر ممکن است برای ورود به این محله احساس راحتی و آرامش نداشته باشند و ترجیح بدهند از این پارک استفاده نکنند. این طرد دوجانبه ممکن است در روابط میان طبقات بالا و پایین در پارک، به شکل فاصله‌گیری از طبقات پایین‌تر نمایان شود.

- این خونه‌ها روی پارک خیلی تأثیر گذاشته. اصلاً اسم شهرک غرب روی این پارک خیلی تأثیر گذاشته. همین پارک رو می‌شه رفت پایین هم زد. خاوران و اون‌ورها، اسلامشهر یا هر جایی. ما خودمون بچه پایین شهریم، اما از این پارک‌ها برای محله‌های ما یه جور دیگه استفاده می‌کنن. شلوغیش یه جور دیگه است. امنیتی که اینجا هست، شاید اونجا نباشه. البته یه همچین پارکی ممکنه تو کاشانک باشه که کلاً تزیین خونه‌ست. خب محله روش خیلی تأثیر گذاشته (مرد جوان ۵).

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، موضوع پیچیده‌تر از «احساس فرودستی طبقاتی» است. ملغمه‌ای از احساسات متفاوت و متغیر در مواجهه با این خانه‌ها دیده می‌شود. احساس ترس، نداشتن امنیت، غریبگی، حسرت، زیبایی و متمول بودن (پول‌داری). در تحلیل این احساسات متنوع، اولین نکته آن است که خانه‌ها توجه‌ها را به سمت خود جلب کرده‌اند. مردم به آن‌ها بی‌تفاوت نیستند و درباره آن‌ها نظر مشخصی دارند. شنیده شده که مردم درباره این خانه‌ها صحبت می‌کرده‌اند (مرد جوان ۳). هرکس درباره آن‌ها موضعی می‌گیرد، حس خاصی دارد یا سعی می‌کند توضیحی برای آن‌ها داشته باشد. نکته دوم آنکه صرف وجود این احساسات مختلف در مواجهه با خانه‌ها، نشان می‌دهد افراد خود را در برابر چیزی «متفاوت» و «غیرعادی» می‌بینند. چنان خانه‌هایی برای آن‌ها معمولی و عادی نیست. خانه‌ها، مشابه خانه‌های خود این افراد یا مشابه آنچه معمولاً در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر می‌بینند، نیست؛ چیزی متفاوت از آنچه یک «خانه معمولی» در تهران به‌شمار می‌آید؛ اما این غیرعادی بودن، صرف برتری کمی نیست. سومین نکته این است که مسئله غیرمعمولی بودن خانه‌ها، از صرف برتری مادی و کمی (مثلاً گران‌قیمت‌تر بودن یا زیباتر بودن) فراتر می‌رود. نوع و میزان احساساتی که پاسخگویان بروز می‌دهند، نشان‌دهنده آن است که افراد خود را با چیزی خارج از منطق متداول مواجه می‌بینند. چنانکه در اظهار نظرها دیده می‌شود، افراد در مواجهه با خانه‌ها، فقط ساختمان‌هایی تا حدی زیباتر و گران‌تر از خانه‌های معمول نمی‌بینند، بلکه منظره خانه‌ها برای آن‌ها به‌مثابه چیزی خارج از زیست‌جهان زندگی روزمره است. صحبت همگانی درباره خانه‌ها به همراه احساساتی از قبیل ترس، غریبگی یا جالب بودن و این اظهار نظر که «شبهه این خانه‌ها جای دیگری [در تهران/ ایران؟] وجود ندارد» همه دلالت‌هایی است بر اینکه این خانه‌ها بخشی از زیست‌جهان متداول روزمره پاسخگویان تلقی نشده است. به همین دلیل برای وجود آن‌ها نیاز به توضیح احساس می‌کنند:

- این‌ها پیرزن پیرمردهایی هستند که از زمان پهلوی موندن. کارمندهای عالی‌رتبه قبل انقلاب بودن. خودشون ساختن. ۱۰ درصد پیرزن و پیرمرد بودند. خیلی کم پیدا می‌شه جوونی که بتونه بخره. این‌ها اغلب مستأجرند (مرد جوان ۳).

- اینجا پتانسیل صمیمی شدن رو نداره، یه کم کلاس داره؛ چون ایرانزمینه، مهر خورده یه افه‌ای دارن که قابل سلام‌دادن نیستن. آدم‌هاش به قول خودشون باکلاس‌اند، اما بی‌عاطفه و بی‌احساس هستن (زن جوان ۲).

این اظهارنظر تلاشی برای توضیح و توجیه چستی و چرایی غیرعادی بودن این خانه‌هاست. با توضیحات و تفسیرهایی شبیه به این، افراد تلاش می‌کنند وجود این تفاوت و این گسست از زندگی روزمره شناخته‌شده خود را توضیح‌پذیر و معنادار کنند. همه این توضیحات، درباره چگونگی توجیه و تفسیر خانه‌ها از سوی بازدیدکنندگان پارک بود. بعد از توجیه و تفسیر، گام بعدی کنش و عمل است. نکته چهارم آن است که افراد چه واکنشی به خانه‌ها دارند یا چه نسبتی میان خود با خانه‌ها برقرار می‌کنند. در مصاحبه‌ها هرکس تلاش کرد نسبتی میان خود و خانه‌ها برقرار کند و با آن‌ها مواجهه خاصی داشته باشد، به عبارت دیگر، پس از «تفسیر ذهنی» خانه‌ها، نوبت به «برخورد عملی» با آن‌ها رسید، اما این برخورد عملی چه بوده و فرد چه واکنشی در برابر خانه‌ها نشان داده است؟

واکنش در برابر منظره این خانه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول «بی‌تفاوتی» است. برخی پاسخگویان با آنکه خانه‌ها برایشان به نحوی غیرعادی بوده و توجهشان را جلب کرده است، خود را به آن‌ها بی‌تفاوت نشان داده‌اند: «برای من جاذبه‌ای ندارد» (مرد جوان ۳)؛ «چشمم رو نمی‌گیره» (زن جوان ۱)؛ «زیاد به این جور چیزها توجهی نمی‌کنم» (زن جوان ۸). دسته دوم کسانی هستند که واکنششان خنثی نبوده، بلکه در مقایسه با دسته اول واکنش مثبتی داشته‌اند؛ یعنی وجود این چشم‌انداز را در مجموع مثبت دیده‌اند؛ برای مثال یکی از پاسخگویان گفته است: «[دیدن این خونه‌ها] تحریک می‌کنه آدمو که بریم دنبال چیزهایی که نداریم» (مرد جوان ۵) و پاسخگوی دیگری گفته است: «من دوست دارم این خونه‌های ویلایی رو ببینم» (مرد جوان ۷). این واکنش‌ها نشان می‌دهد که در مجموع، وجود چشم‌انداز خانه‌های اعیانی در پارک، بازخورد منفی در بازدیدکنندگان نداشته و احساس نامناسبی در آن‌ها پدید نیاورده است. پنجمین نکته، نسبت خانه‌ها با پارک است. خانه‌ها چه دلالتی برای پارک دارد و چه معنای خاصی به فضای پارک بخشیده است؟ آیا منظره خانه‌ها بر فضای پارک مسلط شده است؟ از منظر پژوهش حاضر، آیا خانه‌ها سبب شده که فضای طبقه بالا بر پارک مسلط شود و عرصه را

برای طبقات پایین تنگ کند؟ تحلیل گفت‌وگوهای انجام شده با مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد بازدیدکنندگان احساس نمی‌کنند منظره خانه‌ها بر فضای پارک مسلط است. در برخی گفت‌وگوها این نکته به‌صراحت گفته شده است. نتیجه اینکه پارک با آنکه در یکی از محله‌های گران‌قیمت و بالانشین شهر تهران ساخته شده است، از لحاظ طبقاتی فضای سلسله‌مراتبی و سلطه‌طبقاتی بر آن حاکم نیست و طبقات مختلف می‌توانند با رضایت از آن استفاده کنند.

طرد جنسیتی

چنانکه گفته شد، یکی از انواع طرد فرهنگی-اجتماعی، طرد جنسیتی است. در حوزه جنسیت، نگرانی مشخص آن است که زنان به‌اندازه مردان امکان استفاده از پارک را نداشته باشند. امکان تبعیض جنسیتی در دو حوزه قابل بررسی است. یکی مردانه‌بودن فضای عمومی پارک و دیگری مردانه‌بودن تجهیزات و امکانات موجود در پارک (از قبیل وسایل بازی، ورزش و غیره). این دو مورد را در ادامه بررسی می‌کنیم.

در میان پاسخ‌ها و همچنین مشاهدات، هیچ محدودیتی که حاکی از تبعیض جنسیتی یا طرد جنسیتی در فضای پارک باشد، دیده نشد. برخی پاسخگویان پارک حاضر را از لحاظ آرامش و امنیت برای زنان، مناسب دانسته و حتی برخی، آن را از این نظر بهتر از جاهای دیگر دانسته‌اند (زن جوان ۵، ۴ و ۸). با این حال شکایت‌های عمومی هم وجود دارد که ناشی از محدودیت‌هایی است که به‌طورکلی برای زنان وجود دارد و به فضای خاص پارک حاضر مربوط نمی‌شود. در برخی از گفت‌وگوها محدودیت این پارک برای پوشش زنان، با پارک بانوان مقایسه شده است. این پاسخگویان از نظر وجود آزادی و نبود محدودیت، از پارک بانوان بسیار راضی بوده‌اند و در این پارک، در مقایسه با آنجا احساس راحتی و آزادی کمتری داشتند (زن جوان ۷ و ۶).

در میان فعالیت‌های مختلف در پارک به‌جز زمین‌های ورزشی، در سایر موارد تبعیضی میان زنان و مردان وجود ندارد. آلاچیق‌ها، صندلی‌ها، مسیرهای قدم‌زدن، زمین بدمینتون، پارک‌های بازی کودکان و دکه‌های فروش مواد غذایی، همه برای زنان و مردان یکسان در دسترس و قابل

استفاده است. امکان دوچرخه‌سواری هم برای زنان و مردان یکسان وجود دارد. در مشاهدات ما موارد متعددی از دوچرخه‌سواری دختران در پیست دیده شده است. این موضوع به‌طور مشخص از مسئولان پیست (که زن هستند) نیز پرسیده شد. به گفته آن‌ها:

«استفاده از ایستگاه دوچرخه‌سواری برای زنان محدودیتی ندارد. زنان می‌توانند در پیست دوچرخه سواری کنند» (ایستگاه دوچرخه‌سواری ۱).

اما در استفاده از زمین‌های ورزشی تبعیض جنسیتی وجود دارد. براساس مشاهدات حضوری پژوهشگران در پارک، زمین‌های ورزشی فقط برای مردان است و چنین امکانی برای زن‌ها وجود ندارد. این نکته را جداگانه از مدیر زمین فوتبال پرسیدیم. او هم تأیید کرد که جایی برای ورزش و بازی مختص خانم‌ها وجود ندارد.

طرد سنی

دو گروه سنی کودکان و سالمندان جزء اقشار کم‌توان محسوب می‌شوند که در طراحی فضاهای عمومی باید توانایی‌های آن‌ها در نظر گرفته شود؛ به نحوی که امکان استفاده آن‌ها از فضا فراهم باشد. پارک اگرچه در زمینی شیب‌دار ساخته شده، شیب‌ها به‌نحو مناسبی طراحی شده‌اند؛ به‌طوری‌که شیب زیاد وجود ندارد و امکان پیاده‌روی سالمندان و کودکان فراهم است. همچنین پارک در برخی از قسمت‌ها پله دارد، اما مسیرهای موازی بدون پله نیز وجود دارد؛ به نحوی که کالسکه کودک بتواند وارد شود و به‌راحتی در پارک تردد کند. همچنین اگرچه پارک در برخی قسمت‌ها بلندی‌هایی دارد که امکان پرت‌شدن از آن‌ها وجود دارد، این بلندی‌ها با فنس محافظت شده است تا خطر پرت‌شدن از بین برود.

علاوه‌بر مشاهده مستقیم، با سه سالمند و دو نفر از والدین کودک نیز گفت‌وگو شد. آن‌ها در این گفت‌وگوها شکایتی از فضای پارک نداشتند. تنها نکته‌ای که یکی از سالمندان به آن اشاره کرد، این بود که امکان مشخصی برای ورزش سالمندان در پارک وجود ندارد.

طرد قومیتی

در مشاهدات مستقیم در پارک، چیزی که حاکی از تبعیض و طرد قومیتی باشد، وجود نداشت. با این حال، موضوع امکان تبعیض قومیتی، از خود مصاحبه‌شوندگان نیز پرسیده شد. در میان

مصاحبه‌شوندگان، از میان ۲۵ مصاحبه‌شونده، ۹ نفر ترک، ۲ نفر شمالی و یک نفر کرد بودند. مجموع پاسخ‌ها حاکی از وجود سطحی از شکاف قومیتی میان اقوام مختلف، به‌ویژه میان ترک‌ها و فارس‌هاست؛ برای مثال زن جوان ۲ که ترک است، گفت:

- مادر خیلی دوست دارن با همکاران هم صحبت بشن، اما تهرانی‌ها عاطفی نیستند. ما دلمون ساده است... [از غذای اون‌ها] می‌خوریم، اما به هرکس تعارف می‌کنیم، نمی‌خورن؛ چون ما تبریزی هستیم، دلمون ساده است، اما تهران این‌طوری نیست. متولدان تهران اصلاً دوست ندارن یه دونه پفک بردارن بخورن. ما خجالت می‌کشیم اگه کسی به ما چیزی بده، عوضشو می‌دیم، ما با مرامیم.

- [اگر بخوایم از آلاچیق مجاور چیزی بگیریم، ترجیح می‌دهیم] از آلاچیق ترک بگیریم (زن جوان ۲، ترک). صد درصد اگر چیزی لازم داشته باشیم، از ترک می‌گیریم، ولی اگر ندونیم فرقی نمی‌کنه؛ چون ترکه کارمونو بهتر راه می‌ندازه و احساس صمیمیت بیشتری می‌ده (مرد جوان ۵، ترک).

همچنین در میان مصاحبه‌شوندگان هیچ‌کس نگفت که هنگام دعوا میان دو نفر از دو قومیت مختلف، حتماً از هم‌قومی خودش دفاع می‌کند. بیشتر آن‌ها گفته‌اند که در دعوا دخالتی نمی‌کنند و موضوع را به پلیس یا مأمور پارک واگذار می‌کنند و یک نفر گفت که در دعوا طرف حق را می‌گیرد. مجموع پرسش‌های فوق، بیش از آنکه تأثیر پارک در تبعیض قومیتی را نشان دهد، نشان‌دهنده حدافلی از تمایز قومیتی است که خود افراد بین قومیت خود با همکاران قائل می‌شوند. چنانکه گفته شد عاملی که موجب چنین تبعیضی باشد در خود پارک وجود ندارد. از سوی دیگر پارک به بهبود پیوندهای میان‌قومیتی و رفع شکاف‌های قومیتی نیز کمکی نمی‌کند.

امنیت

امنیت پارک در مجموع مناسب ارزیابی شده است؛ به‌ویژه آنکه یکی از اهداف اصلی بهسازی پارک حاضر، ارتقای ضریب امنیت منطقه بوده است و یافته‌های ما نشان می‌دهد، پارک به این هدف خود دست یافته است. موارد معدودی از ناامنی یا احساس ناامنی مشاهده شده است که با استقرار نیروی انتظامی (که در دست اقدام است) حل شده است و ساکنان محله از وضعیت فعلی پارک بیش از گذشته رضایت دارند (مصاحبه با ساکنان محل).

بحث و نتیجه گیری

چنانکه قبلاً در بخش‌های مختلف نظریه، روش و یافته‌ها در این پژوهش ذکر شد، پارک در سه جنبه مختلف بررسی شد؛ پیامدهای زیست‌محیطی، شبکه روابط عمومی و شمول و طرد فرهنگی - اجتماعی در پارک. در بخش پیامدهای زیست‌محیطی، به‌طور کلی پارک فدک به تأمین سرانه فضای سبز منطقه و رسیدن منطقه به استاندارد فضای سبز (سرانه ۱۲ مترمربع) کمک کرده است. با احداث پارک، سرانه فضای سبز منطقه از ۵ مترمربع برای هر نفر به نزدیک ۱۱ مترمربع برای هر نفر رسیده است؛ هرچند احداث این پارک به تبعیض سرانه فضای سبز در تهران دامن زده است. از گونه‌های گیاهی مناسب برای کاهش آلودگی صوتی و هوا از جمله درختان برگ‌پهن استفاده شده است. مهم‌ترین مشکل در این بخش، نیاز فراوان به آب و تشدید بحران کم‌آبی است که در کاشت گیاهانی مانند چمن به آن کم‌توجهی شده است. در بخش شبکه روابط عمومی، این پارک به عرصه عمومی تبدیل نشده است و شبکه روابط اجتماعی در پارک شکل نگرفته و پارک به تقویت اجتماع محلی کمکی نکرده است. راه‌های مختلفی برای ایجاد روابط اجتماعی جدید وجود دارد که همه این راه‌ها را می‌توان در یک مفهوم «عرصه عمومی» خلاصه کرد. برای آنکه روابط اجتماعی تازه‌ای شکل بگیرد، پارک باید بتواند کارکرد عرصه عمومی داشته باشد. عرصه عمومی یعنی جایی که امکان رخ‌دادن کنش متقابل میان افراد و اطلاع‌یافتن افراد از یکدیگر فراهم شود. باید موقعیت‌ها و فضاهایی طراحی شود که افراد فعالانه در آن درگیر شوند، گفت‌وگوهای عمومی شکل بگیرد و اطلاعات عمومی در سطح منطقه‌ای یا شهری در آن مبادله شود. پارک در حال حاضر یک محیط منفعل است. افراد تنها خود را «در معرض» پارک قرار می‌دهند، بدون آنکه کار خاصی انجام دهند. همچنین آن‌ها در خلق فضا مشارکتی نمی‌کنند. فضاها به‌نحوی است که برای ایجاد آن‌ها نیاز به مشارکت افراد نیست. طراحی فضای فعلی به شکلی است که صرف حضور افراد در آن، فضا را تکمیل می‌کند. آلاچیق‌ها، فضاهای خصوصی هستند که در وسط یک فضای عمومی ساخته شده‌اند. البته وجود آن‌ها بسیار لازم و مناسب است، اما کافی نیست. چنین فضایی، همان حوزه خصوصی درون خانه‌ها را بیرون از خانه دوباره بازسازی کرده است. همان شبکه درونی روابط خانوادگی، خود را در یک پارک دوباره شکل می‌دهند و همان روابط به‌نحو دیگری ادامه

می‌یابد. در اینجا هیچ درخواستی برای انجام فعالیتی خاص و برای مشارکت در شکل‌دادن به فضا، یا هیچ امکانی برای چنین فعالیتی وجود ندارد. این پارک، با فضای اجتماعی اطراف خود درگیر نشده و به بخشی از ساختار فضایی اجتماعی شهر تبدیل نشده است، بلکه تنها بخشی از فضای طبیعی شهر است، نه قسمتی از فضای اجتماعی آن و پیوندی میان پارک با بافت اجتماعی اطرافش وجود ندارد. در بخش طرد و شمول فرهنگی، مهم‌ترین گروه‌هایی که باید به احتمال طرد آن‌ها از پارک حساس بود، عبارت‌اند از: فرودستان طبقاتی، قومی و مذهبی، زنان، کودکان و کهن‌سالان. به‌طور کلی در پارک عاملی که باعث حذف و طرد هر یک از این گروه‌ها شود، مشاهده نشد، اما درباره شمول فرهنگی در درجه اول محل قرارگرفتن پارک و تبدیل شدن آن به ویتترین خانه‌های لوکس میزان شمول طبقاتی را کاسته است. همچنین در مواردی مانند استفاده از زمین‌های ورزشی نیاز به تقویت شمول جنسیتی و برآوردن نیاز زنان به استفاده از این فضاهاست. چنانکه در قسمت طرد قومیتی گفته شد، در پارک هیچ عاملی که موجب تبعیض قومیتی شود، وجود ندارد، اما نتایج نشان می‌دهد که میان خود اعضای قومیت‌های مختلف، شکاف قومیتی وجود دارد و پارک، به‌عنوان یک فضای عمومی که محل همزیستی و تعامل همه این اقوام است، به رفع این شکاف یا کاهش آن کمکی نمی‌کند.

منابع

- بیات بهرام (۱۳۹۶)، «تبیین ارتباط بین فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۲: ۳۲۵-۳۲۹.
- زیاری، کرامت‌اله و لایلا واحدیان بیکی (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر بحران زیست‌محیطی و توزیع مکانی فضای سبز شهر تهران»، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، شماره ۱۴: ۱۰۱-۱۱۴.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹)، کتاب سبز شهرداری‌ها، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳)، فضای سبز شهری، تهران: نشر شهرداری تهران.
- عاملی، سید سعیدرضا و اخوان، (۱۳۹۱)، «بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری در سفرنامه‌ها: مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستان‌های استان تهران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۴: ۷۵-۱۰۰.
- ملکی، سعید (۱۳۸۲)، «شهر پایدار: شهر پایدار و توسعه پایدار شهری»، مجله هنر و معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۰۲: ۳۴-۵۳.
- Andersson, E. (2006), "Urban Landscapes and Sustainable Cities", **Ecology and Society**, No. 11 (1): 34.
- Chiesura, A. (2004), "The Role of Urban Parks for the Sustainable City", **Landscape and Urban Planning**, No. 68: 129-138.
- Hilssdon, A; Panter, C; Foster, J and Jones, A (2006), "The Relationship between Access and Quality of Urban Green Space with Population Physical Activity", **Public Health**, No.12: 1127-1132.
- Leeuwen S., and Rodenburg, C. A. (2003), "A Framework for Quality of Life Assessment of Urban Green Areas in Europe: An application to District Park Reudnitz Leipzig", **International Journal of Environmental Technology and Management**, No. 1 & 2: 424-435.
- Loukaitos-Sideris, A. (1995), "Urban Form and Social Context: Cultural Differentiation in the Uses of Urban Parks", **Journal of Planning Education and Research**, No. 14: 89-99
- Low, S., Toplin, D., and Scheld, S. (2005), **Rethinking Urban Parks: Public Space and Cultural Diversity**, Texas: Texas University Press.
- Richardson, E. A., and Mitchell, R. (2010), "Gender Differences in Relationships between Urban Green Space and Health in the United Kingdom", **Social Science & Medicine**, No. 71: 568- 575.
- Seeland, K., Dübendorfer, S., and Hansmann R. (2009), "Making Friends in Zurich's Urban Forests and Parks: The Role of Public Green Space for Social

Inclusion of Youths From Different Cultures”, **Forest Policy and Economics**, No. 1: 10-17.

- Thompson, Catharine Ward (2002), “Urban Open Space in the 21st century”, **Landscape and Urban Planning**, No. 60: 59-72.